«انذار» از روش تا اصل تربیتی

حمیدرضا یونسی[1]
نیکودیالمه[2]

چکیده

پژوهش حاضر با تأکید بر واژه انذار در قرآن کریم و ارائه تبیینی از معنای لغوی و احصای خصوصیات معنایی این واژه در کاربرد قرآنی تعریفی جامع از این واژه ارائه داده تا جایگاه این مفهوم در کاربرد تربیتی آن را از قواره یک «روش تربیتی» به میزان یک «اصل تربیتی» ارتقاء دهد.

کلیدواژه‌ها: انذار، اصل، روش، تربیت، مربی، متربی،

۱- پژوهشگر گروه قرآن و علوم‌تربیتی مرکز مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم- جهاد دانشگاهی Younesi313@gmail.com
۲- استادیار گروه معارف اسلامی و علوم تربیتی دانشگاه امام صادق(ع) Dialameh@isu.ac.ir
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۷/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۸/۲۵

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]

بیان مسئله

در نظام‌های مختلف تربیتی، اصولی برگرفته از مبانی و با چشم‌داشت به روش‌ها جهت نیل به اهداف تعیین می‌شود؛ لذا یکی از ارکان هر مکتب تربیتی «اصل»[1] های تربیتی آن مکتب است؛ نظام تربیتی اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ لذا اندیشمندان اسلامی طی قرون مختلف اصول متعددی را برای مکتب تربیتی اسلام با توجه به نگاه فلسفی، کلامی، عرفانی و حدیثی خود بیان کرده‌اند، اما تمرکز بر خود قرآن کریم و احصای این اصول از متن مقدس نیز یکی از مواردی است که توجه به آن ضروری است.

یکی از واژگان کلیدی در نظام تربیتی قرآن کریم که متعدد بیان گردیده واژه انذار است؛ مسئله انذار در نگاه‌های مختلف اندیشمندان اسلامی مورد توجه قرار گرفته و غالبا تمامی متفکران از آن به عنوان روشی ذیل یکی از اصول و عمدتا اصل «عدل» یاد کرده‌اند. (نک: دینارونند، مکاتب فلسفی و نظریه‌های تعلیم وتربیت؛ کیلانی، سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی) اما با توجه به تعریفی که از این اصل در علوم تربیتی ارائه می‌شود؛ می‌توان جایگاه انذار را از یک روش به عنوان اصل تربیتی ارتقاء داد؟

پیشینه بحث

مسئله انذار به صورت مستقیم و غیر مستقیم – در دل بحثی دیگر به عنوان اجزاء آن بحث – مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته و غالب پژوهشگران به عنوان یک روش تربیتی به انذار نگاه کرده و عمدتا آن را زیر مجموعه اصل عدل و برقراری اعتدال در انسان قرار داده‌اند؛ دسته‌بندی از نتایج حاصل از هرکدام از این پژوهش‌ها در جدول ذیل قابل مشاهد است؛

ردیف	عناوین مقاله	نتایج
۱	جایگاه و نقش انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران «نگرش قرآنی»	حقیقت دو روش انذار و تبشیر در ارتباط با تعدیل رفتار انسان است. نقش اصلی این دو تکنیک تربیتی مربوط به انگیزش رفتار است.انذار و تبشیر راهی برای ایجاد هشیاری و آگاهی و خودسازی است.این دو مکانیزم تربیتی مسبوق و منجر به شناخت و حیات فکری می‌شود.

۱- سلسله قواعد و معیارهای کلی (بایدها) که متناسب با ظرفیت‌های انسان انتخاب و به منظور تعیین روش‌های تربیتی برای دستیابی به اهداف، مورد توجه قرار می گیرند. (مشایخی، شهاب الدین اصول تربیت از دیدگاه اسلام)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]

ردیف	عناوین مقاله	نتایج
۲	بررسی تفسیری گستره جغرافیایی ارسال رسل در آیات انذار	اگر نذیر به معنای «گروه» باشد، در قرآن به هشت مصداق بکار رفته است که هیچ یک از این معانی هشت‌گانه با گزاره‌های تاریخی تعارضی ندارد.اگر به معنای «اهل سرزمین» باشد، گرچه خلاف ظاهر است؛ با تقریر علامه طباطبایی قابل حل است.اگر به معنای «اعتقاد» و «دین» باشد نیز نایکسانی از ابتدا وارده نبوده است تا اینکه به حل نیاز داشته باشد.اگر به معنای «زمان» و «دوره» باشد نیز تخصصا از بحث (تعارض) خارج است.در آیات سوره نحل و یونس نیز رسول به معنای لغوی آن حمل می‌شود که در حقیقت مصداق آن می‌تواند با مصداق نذیر یکی باشد.
۳	رویکردی تربیتی به آیات انذار و تبشیر	انذار و تبشیر در جایگاه روش تربیتی است.لزوم همراهی و هماهنگی این دو روش با یکدیگر به منظور تحقق اصل اعتدال روحی است.اصول تربیتی مستخرج از آیات انذار عبارتند از: اصل یادآوری، اصل تمکن(توجه به تفاوت‌های فردی)، اصل عدل، اصل آینده‌گری و عاقبت‌اندیشی، اصل تعقل (بازدارندگی).فنون تربیتی متناسب با روش انذار عبارتند از: عبرت‌آموزی و موعظه، مجازات به قدر خطا، نهی از منکر، تکلیف به قدر وسع، رویارویی با نتایج رفتار.
٤	مؤلفه‌های کاربردشناختی انذار در داستان حضرت شعیب علیه‌السلام	انذار؛ وعید به عذاب در آینده است.این فعل از روی محبت و دلسوزی با در نظر گرفتن حفظ کرامت انسانی و در سایه عقلانیت و دادن اختیار به انسان و به منظور دور ساختن بندگان از عقوبت است.انذار به عنوان پیشگیری از ورود به عذاب در آینده است.حالت بازندارنگی و خوف در افراد ایجاد می‌کند.انذار در قرآن دارای ساختار دقیق و منظمی است که از جانب منذر با توجه به شرایط و ویژگی‌های مخاطبان و اشراف متکلم به ویژگی‌های مخاطب صادر شده است.انذار باید دور از تحمیل عقیده و اجبار، و مبرا بودن از هرگونه شائبه مادی و منفعت شخصی صورت پذیرد.
۵	راهبردهای تربیتی از دیدگاه قرآن	راهبرد تربیتی در سه مقوله تحلیل و بررسی می‌شود؛ راهبرد شناختی بینشی؛ در این راهبرد به آیاتی پرداخته شده که هدف آنها شناختن مبدا، معاد و چرایی خلقت انسان مورد نظر است. و با ارجاع انسان به تعقل و تفکر، یاد معاد، تذکر به نعمت های الهی و عبرت آموزی به این شناخت و بینش می‌پردازد.راهبرد گرایشی: این راهبرد به آن دسته از گزاره‌های قرآنی پرداخته که میل به عمل را در انسان شعله‌ور می‌نماید؛ از جمله راهکارهای این شیوه می‌توان به پرورش ایمان، پرورش محبت، توبه و انذار و تبشیر و پاداش و تنبیه اشاره نمود. راهبردهای رفتاری: به شیوه عملی سعی در هدایت متربیان دارد؛ از جمله: ارائه الگوی اخلاقی تربیتی در عمل، اسوه‌سازی، تعظیم شخصیت متربی، تذکر، آزمایش و ابتلا.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]

ردیف	عناوین مقاله	نتایج
٦	الگوی اخلاقی قرآن در برخورد با انحراف های اخلاقی (با تأکید بر دوره جوانی)	انذار و تبشیر از یک چشم‌انداز قرآنی، شیوه‌هایی برای آگاهی پیشین از عواقب اعمال و رفتارند و در پایان، خود شخص است که اطلاعات را دریافت کرده، آن را برای انتخاب رفتار و اعمال بکار می‌بندد یا نمی‌بندد.
۷	انذار در سوره یس	غایت رسالت در آیه سوره یس تنها به انذار منحصر شده، اما در آیه سوره فاطر بشارت و انذار توأمان ذکر شده است.ترغیب و ترهیب یا بیم و امید دو نغمه متقابل در سرشت انسانی‌اند و شاکله فهم او از حیات پیرامونی و نحوه سلوک او را تشکیل می‌دهند.قرآن کریم به تناسب سطوح مختلف مخاطبان از ادوات تبشیر و تخویف متعددی استفاده نموده است.بشیر و نذیر هم دو منصب و دو فضیلت از فضایل ستودنی نبی اکرم(ص) محسوب می‌شود.
۸	بررسی تطبیقی اصول و روش‌های تبلیغی در قرآن کریم و عهد جدید	روش تبلیغی مبتنی بر اصل اصلاح شرایط است.انذار برای زنده کردن میثاق فطری بشر با خداوند متعال است.انذار به منزله تأکید و تذکر است.
۹	بررسی نقش ترس در پیدایش دین (باتکیه بر قرآن)	مخاطب انذار در قرآن کریم بیشتر کفار و مشرکین هستند.ترسی که در قالب انذار در قرآن کریم ذکر شده است، یکی از عوامل فرعی گرایش به دین است و برخی از مردم به سبب ترس از گرفتار شدن در غضب الهی به دین روی آورده‌اند.
۱۰	تبشیر و انذار	در نظام تربیتی اسلام از روش تبشیر و انذار برای تکامل بخشیدن انسان‌ها و تزکیه و ارشاد آنها استفاده می‌شود.

مفهوم‌شناسی واژه انذار

انذار در لغت به معنای «اخبارٌ فیه التخویف»[1] یا «اخبار مع التخویف» است. اگر خبری با رعب و وحشت همراه باشد؛ مثل خبر دادن از یک جنگ بزرگ و...، انذار بر آن صدق می‌نماید. وجود خوف در مفهوم انذار، اعم است از اینکه تخویف به دلالت مطابقی باشد یا دلالت التزامی و

۱- الإنْذَارُ: الإبلاغُ، و لا یکون إلا فی التخویف (الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ۲/ ۸۲۵)؛ الإنذار: الإبلاغ؛ و لا یکاد یکون إلّا فی التَّخویف (معجم مقائیس اللغة، ۵/ ۴۱۴)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]

یا حتی دلالت عقلی. ویژگی سومی که در این ریشه نهفته است، اینکه زمان تا وقوع آن (خبر ترسناک) وسیع است؛ «انذار تخویف است از مخوفی که زمان آن وسیع است تا از آن احتراز شود و اگر زمانش وسیع نباشد آن را اشعار گویند»(قرشی، ۸ / ۴۱)» (نک: طریحی، ۳ / ۴۹۱؛ فیومی، ۲ / ۵۹۹؛ ابن اثیر جوزی، ۴ / ۳۶۸؛ ، ۶۸۱) به گونه‌ای که لغت‌شناسان بر این گفتار تأکید دارند که در واژه «نَذِرَ ـ نَذَرَ» سه خصوصیت مهم نهفته است؛ آگاهی رسانی (اعلام)، ترساندن (تخویف و تحذیر) و وسعت زمان.

مفهوم دیگری که با توجه به قرآن کریم می‌توان در این بحث به آن پرداخت، همنشینی مکرر واژه «مبین» با انذار است (الاعراف، ۱۴۸؛ هود، ۲۵؛ حج، ۴۹؛ الشعراء، ۱۱۵؛ العنکبوت، ۵۰؛ ص، ۷۰؛ الاحقاف، ۹؛ الذاریات، ۵۰ و ۵۱؛ الملک، ۲۶؛ نوح، ۲؛ الرعد، ۷) در تمامی این آیات عبارت «نذیر مبین» تکرار شده است که نشان از اهمیت این معنا در مسئله انذار دارد.

ریشه «ب ی ن» از جمله ریشه‌هایی است که معنای اضداد از آن صادر می‌شود؛ لذا زمانی که واژه «البین» بکار می‌رود؛ می‌تواند دو معنای ضد هم داشته باشد چنانکه در وصف این ریشه در کتب لغت آمده است: «البین: الفراق و الوصل و هو من الأضداد»(مصطفوی، ۱/ ۳۶۶ و طریحی، ۶/ ۲۱۸). معنای حقیقی این ریشه انکشاف و وضوح بعد از ابهام و اجمالی است که به واسطه جدایی و فصل ایجاد شده است؛ صاحب لسان‌العرب در تحلیل معنای واژه «مبین» آورده که معنی مبین آشکار کردن و نمایان کردن بین راه هدایت و راه ضلالت و تمامی آنچه مردم به آن نیازمند هستند، می‌باشد.(نک: ابن منظور، ۱۳/ ۶۸) پس واژه انذار سه ویژگی مهم در نظام بایدها را القا می‌کند؛ «آگاهی‌رسان» است که منجر به اطلاعات جدید یا تجدید کنند و بازآفرین اطلاعات گذشته بوده، «ترساننده» است که عامل بازدارندگی را در خود دارد و «وسعت زمان» که توجه به تدریجی بودن تربیت دارد.

خصوصیات انذار در کاربرد قرآنی

توجه به بافت متن و بررسی کاربرد واژه در آن متن جهت کشف معنای مراد نیز از وجوه دیگر پرده‌برداری از معنای لفظ است؛ لذا در این بخش با تأکید بر کاربرد واژه «انذار» در قرآن کریم سعی بر توسعه معنایی این واژه شده تا معنای عمیق‌تری از آن حاصل شود؛ بررسی‌ها نشان از آن دارد که واژه انذار در متن قرآن کریم از همان معنای پایه و اصلی خود در لغت پیروی کرده و متضمن گسترش مفاهیمی است که از معنای لغوی آن بدست می‌آید؛ برای کشف این گسترش

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]

معنایی پاسخگویی به این مسائل که منشأ انذار چیست، متولی آن کیست، جنس انذار چیست، مخاطب انذار کیست و هدف انذار چیست؟ ضروری است.

بررسی آیات قرآن کریم نشانگر آن است که منشأ انذار، خود وحی است و اصلا وحی نازل شده است تا انذار دهد و وحی، همان منذِر است: «**قُلْ إِنَّما أُنْذِرُكُمْ بِالْوَحْی وَ لا یسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعاءَ إِذا ما ینْذَرُونَ**؛(الانبیاء، ۴۵) بگو: من شما را به وحی بیم می‌دهم. ولی کران را چون بیم دهند، نمی‌شنوند.»[1] و «**أَ كانَ لِلنَّاسِ عَجَباً أَنْ أَوْحَینا إِلی رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ**؛(یونس، ۲) آیا مردم در شگفتند از اینکه به مردی از خودشان وحی کردیم که مردم را بترسان...؟»[2] و «**هَذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَ لِینذَرُواْ بِهِ**؛(ابراهیم، ۵۲) این (قرآن کریم) پیامی است برای مردم، تا بدان بیمناك شوند.»[3] پس انذار ریشه در وحی داشته و بالاترین مرتبه آن نیز همین است؛ چراکه وحی کلام الهی است پس بالاترین منذِر «**الله**» است.

حال با توجه به اینکه خدای تعالی خارج از ظرفیت انسان و جدای از تناسب وجودی او به او تکلیف نمی‌کند؛ طبق تعریف «اصل»، انذار این ویژگی را نیز طبق آیات قرآن کریم با خود داشته و منذر نیز باید نسبت به این مسئله هوشیار باشد؛ «**لَا یكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَیهَا مَا اكْتَسَبَتْ**؛(البقره، ۲۸۶) خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی‌کند. آنچه (از خوبی) دست آورده به سود او، و آنچه (از بدی) به دست آورده به زیان اوست» و با عبارت «**...لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَیهَا مَا اكْتَسَبَتْ...**» به دو بعد وجودی انسان؛ کسب منعفت و دفع ضرر که از اهمیت ویژه‌ای در کارکرد انذار در یک نظام تربیتی برخوردارند، اشاره دارد.

۱- شما را انذار می‌کند، وحی الهی است، و در آن هیچ تردیدی نیست، و اگر در شما اثری نمی‌گذارد با اینکه منظور از آن هدایت شما است، به خاطر این است که شما دچار کری شده‌اید و انذار را نمی‌شنوید(ترجمه المیزان، ۱۴/ ۴۱۱)

۲- بعد از اینکه خداوند سبحان تعجب کفار را از این امر بیان کرد به بیان حقیقت آنچه به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وحی شده است پرداخته و آن همان انذار و تبشیر است(الکاشف، ۴/ ۱۳۱)

۳- این قرآن یا آنچه در این سوره است از مواعظ، کفایت است برای مردمان تا پند داده شوند به آن و تا ترسانیده شوند بدان(تفسیر اثنی عشری، ۷/ ۷۷).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]

از آنجایی که عمل انبیاء(ع) در طول عمل الهی قرار دارد قرآن کـریم اولـین متولیـان انـذار را انبیاء الهی معرفی می‌کند: «**إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ**»(الرعد، ۷) و «**قُلْ إِنَّما أَنَا مُنْـذِرٌ**»(ص، ۶۵) «**وَ ما أَهْلَكْنا مِنْ قَرْيةٍ إِلاَّ لَها مُنْذِرُونَ**»(الشعراء، ۲۰۸) و آیات بسـیاری بـر ایـن مفهـوم دلالت دارد که انبیاء الهی انذارکنندگان هستند[1] که البته از آنجایی که ایشان الگوهـای الهـی بـرای بشریتند ضرورت دارد از روش ایشان دیگران نیز استفاده نمایند.

البته این تأکید بدان معنا نیست که فقط انبیاء منذِر هستند بلکه طبق آیه ۲۴ سوره فـاطر «**إِنَّـا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَـذِيرٌ**» درباره واژه نـذیر در این آیه می‌توان گفت از نظر زبانشناسی این واژه هیچ دلالتی بر معنای پیامبر نمی‌کند... نـذیر اعـم از پیامبر است؛ زیرا شخصی مثل لقمان حکیم یـا ذوالقـرنین نیـز نـذیر بودنـد (شـیواپور، بررسـی تفسیری گستره جغرافیایی ارسال رسل در آیات انذار).

پس مراد از رسول و نذیر و شهید در این‌گونه آیات هر چیزی است که حجت با آن تمام شود؛ از وجود پیامبر یا کتاب نازل شده یا مرشد اصلاح‌گر یا حکمی از احکام عقل بـدیهی کـه هـیچ دو نفری از صاحبان عقول سالم در آن اختلافی ندارند.

نتیجه این بحث آنکه دامنه تنوع منـذِر متعـدد اسـت؛ خـدا، پیـامبر، امـام، قـرآن، علمـا[2] و.. می‌توانند به عنوان منذِر محل بحث باشند، اما یک نکته اساسی که در انذار بایـد مـورد توجـه قـرار گیرد این است که منذِر باید از جایگاه معرفتی قابل قبولی برخوردار باشد؛ مؤیـد ایـن سـخن آنکـه حوزه‌های تربیت در اسلام را به چهار دسته «**يتلوا عليهم آياتـه**» «**و يـزكيهم**» «**و يعلمهـم الكتابه**» «**و الحكمه**» تقسیم کرده‌اند که حوزه تربیـت علمـی، برگرفتـه از عبـارت «الحکمـه» توجه خاص به مسئله انذار دارد؛ معانی واژه حکمت بر اساس کاربرد آن در قرآن و سنت، سازوار با تنوع مهارت‌ها و کارکردهای عقلی و روحی و جسمی‌ای که در زندگی از پرداختن بـدان‌ها گریـزی نیست، گوناگونی می‌پذیرد یکی از این‌ها حکمت به معنـای پنـد و انـدرز اسـت؛ خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «**وَلَقَـدْ جَـاءَهُمْ مِـنَ الْأَنْبَـاءِ مَـا فِيـهِ مُزْدَجَـرٌ حِكْمَـةٌ بَالِغَـةٌ فَمَـا تُغْـنِ**

۱- فأنا المنذر. (البرهان فی تفسیر القرآن، ۳/ ۲۲۷)

۲- با استناد به آیه نفر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]

النُّذُرُ»(القمر، ۴- ۵) پس منذِر باید از جایگاه حکمت برخوردار باشد و این نشان از علـو درجـه منذِر است. (کیلانی، ۱۰۹) طبق آیه ۹ سـوره التوبـه «**وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ**»[1] انذار به حدی از اهمیت برخوردار است که هر مومنی باید ابتدا معرفت عمیق دینی کسب نماید تا بتواند دیگران را نیز هشدار و انذار دهد (شاملی، جایگـاه و نقش انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران «نگرش قرآنی»).

خصوصیت دیگر در انذار را با پاسخ به این پرسش که جنس انذار چیسـت؟ بایـد یافـت، بـا کشف این خصوصیت اشتباهی که برخی در همسان گرفتن انذار با تنبیـه در مکاتـب تربیتـی خـود بیان کرده‌اند، برطرف خواهد شد؛ منشأ انذار وحی است، وحی نیز از جنس کلام(سـخن) اسـت؛ پس جنس انذار گفتار و کلام است؛ لذا انذار در قرآن گاهی بصورت کلی است و به اصـل وجـود عقاب الهی اشاره دارد و انسان‌ها را از آن برحذر مـی‌دارد[2] و گـاهی بـا صـراحت از عـذاب قطعـی مجرمان سخن می‌گوید و بصورت غیر مستقیم مخاطب را می‌ترساند[3] و گاهی بصورت مشروط بر عقاب تاکید دارد[4] (قائمی‌مقدم، روش تربیتی تذکر در قرآن کریم).

پرسـش دیگـر در کشـف خصوصـیات انـذار ایـن اسـت کـه مخاطـب انـذار کیسـت؟ بشـر(الاحقاف، ۲۱؛ یـونس، ۲؛ ابـراهیم، ۴۴؛ الشـعرا، ۲۱۴؛ یـس، ۶؛ فرقـان، ۱؛ المـدثر، ۳۶) مخاطب منذِر است و با توجه به سیر آیات، این رتبه‌بندی بدست می‌آید که پنج گروه عالمین، بشـر یا ناس، قوم، عشیره و آباء مورد خطاب انذار هستند؛ گستردگی انذار در سطح تمام بشریت است و در لایه‌های مختلف اجتماعی از قبیل جامعه، قوم، قبیله، عشیره و خانواده کارکرد دارد و با توجه بـه عملکرد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبدأ انذار، نزدیکان هستند؛ چراکه پیامبر صلی الله علیه

۱- و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند پس چرا از هر فرقه ای از آنـان دسـته ای کـوچ نمـی کننـد تـا [دسـته ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند.

۲- «**وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ**»؛ و از خدا بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است.

۳- «**إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ**»؛ بی گمان مجرمان در عذاب جهنم ماندگارند.

۴- «**إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى**»؛ در حقیقت هر که بـه نـزد پروردگـارش گنهکـار رود جهنم برای اوست در آن نه می‌میرد و نه زندگی می‌یابد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]

و آله و سلم رسالت خود را با بیم دادن به خویشاوندان نزدیکش آغاز نمود.[۱] شروع از نزدیکان چه بسا تأثیر رسالت پیامبر را تسهیل کرده باشد؛ هنگامی که مردم مشاهده کنند الگویشان و نزدیکانش پیش از همه مورد انذار پروردگار هستند، آنها نیز به راحتی به حقانیت پیامبر و رسالتش ایمان می‌آورند (شاملی، همانجا).

در معارف دینی از قلب کودکان چون زمین کشت نشده تعبیر شده است که هرچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد؛ سفارش قرآن کریم به «**لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ**» (الاحزاب، ۲۱) نیز نشان دهنده این مهم است که انسان می‌تواند ظرف وجودی خود را با انتخاب یک الگو و بهره‌گیری از ظرفیت‌های وجودی آن الگو، تغییر داده و به رشد و بلوغ در اوج کمال برساند و نیز تعابیری چون «**أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ**» (الاعراف، ۱۷۹) مؤید این مطلب است که انسان می‌تواند از آنچه که بالقوه هست هم پست‌تر شده تا جایی که از حیوان هم پایین‌تر قرارگیرد؛ بنابراین با توجه به این وسعتِ تغییر در دامنه تربیتی انسان از قاب قوسین[۲] تا اسفل سافلین[۳] این نتیجه حاصل می‌شود که دو بعد انگیزشی «تحذیر و تحریم عمل» و «تحریک و ترغیب عمل» به واسطه انذار در انسان ایجاد شده تا به یکی از دو هدف زیر نایل شود؛

الف) اتمام حجت؛ با بیدارسازی و آگاهی‌رسانی نسبت به انگیزه تحذیر و تحریم عمل؛ راه هرگونه بهانه‌جویی و عذرخواهی در زمان تنبیه و عاقبت امور بر انسان بسته می‌شود و باید پذیرای تنبیه عمل خود بود.

ب) هدایت؛ با تحریک و ترغیب عمل در انسان و جلو راندن وی در مسیر کمال آنچه حاصل می‌شود، هدایت است و ثمره هدایت نیز پاداش و تشویق است؛ در واقع انذار با تحریک این بعد از شخصیت انسان، او را به تشویق حاصل شده از هدایت می‌رساند.

اما توجه به این نکته ضروری است که هدف اصلی انذار هدایت است؛ چرا که منذِر آنقدر حریص بر هدایت بشر است که خود را به مشقت انداخته تا همگان را هدایت کند (الشعراء، ۳)، اما اینکه «اتمام حجت» نیز از جمله اهداف انذار بشمرده شده؛ به دلیل مختار بودن بشر در

۱- «**وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ**»؛ و خویشان نزدیکت را هشدار ده.(الشعراء، ۲۱۴)

۲- «**فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى**»؛ تا [فاصله اش] به قدر [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر شد.(النجم، ۹)

۳- «**ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ**»؛ سپس او را به پست ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم.(التین، ۵)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]

گزینش مسیر حرکت است؛ «**إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَ بَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يؤْمِنُون**؛(الاعراف، ۱۸۸) من فقط بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده‌ام برای گروهی که ایمان می‌آورند! (و آماده پذیرش حقند)».

مؤید این سخن تفسیر علامه طباطبایی ذیل آیه ۷ از سوره مبارکه الرعد است که می‌نویسد: «از تو معجزه‌ای بر طبق دلخواه خود می‌خواهند با اینکه تو درباره معجزه هیچکاره‌ای، تو تنها هدایت‌کننده‌ای هستی که ایشان را از راه انذار هدایت می‌کنی؛ چون سنت خداوند در بندگانش بر این جریان یافته که در هر مردمی یك نفر هادی و راهنما مبعوث کند تا ایشان را هدایت نماید».

همچنین توجه به کاربردهای «لعل» در ساختار آیات انذار و عباراتی؛ چون «لعلهم یتذکرون»(القصص، ۴۶) و «لعلهم یهتدون»(سجده، ۳) بر این معنا تأکید دارد که هدف از انذار یادآوری و هدایت است؛ زیرا متربی انذار می‌شود تا آگاهی یابد و این آگاهی توسط تذکر ایجاد می‌شود و نتیجه این آگاهی ـ به شرط پذیرش ـ هدایت خواهد بود؛ فخر رازی در تفسیر خود، ذیل آیه ۲۱۳ البقره می‌نویسد: «انذار؛ جاری مجرای ازاله مرض و از بین بردن بیماری است، پس بدون شک هدف و مقصود اصلی، حفظ سلامت است نه از بین بردن بیماری...انذار پاک‌سازی چیزی پیش از آراستن آن است و نیز از بین بردن اعمال ناشایست بر کارهای شایسته تقدم دارد» (رازی، ۶/ ۲۰).

گاهی انذار، هشدار نسبت به وقوع کیفری این جهانی است - مانند آیات ابراهیم ۴۴، صافات ۱۷۷، احقاف ۲۱ - و زمانی انذار به صورت هشدار به مومنان نسبت به کیفر در روز رستاخیز بروز می‌کند - مانند آیات ۷شوری و ۱۸ غافر - در سایر موارد این واژه نه تنها به پیغمبر(ص)، بلکه به خود قرآن نسبت داده می‌شود (فصلت ۳ و ۴، مرسلات ۵ و۶، احقاف ۱۲، یس ۶۹ و ۷۰) حتی انذار به خود خدا هم نسبت داده می‌شود این نمونه در آیات ۴۰ نبأ، ۱۴ لیل و ۲ و ۳ دخان مشاهده می‌شود؛ حتی جهنم نیز به عنوان انذار دهند مطرح است؛ همانا آن (جهنم) یکی از پدیده‌های بزرگ است که انذاردهنده آدمیان است (المدثر ۳۵ و ۳۶) (شاملی، همان).

پس انذار بوسیله الله از طریق وحی (الانبیاء، ۴۵) در اختیار انبیاء (المرسلات، ۶؛ یونس، ۲؛ النحل، ۲؛ الکهف، ۵۶؛ النازعات، ۴۵؛ الرعد، ۷؛ البقره، ۲۱۳؛ النساء، ۱۶۵؛ الانعام، ۴۸؛ الکهف، ۵۶؛ الصافات، ۷۲؛ الاحقاف، ۲۹؛ المائده، ۱۹.) (منذِر) قرار گرفته است که بر اثر تحریک یکی از دو بعد تحریم عمل یا ترغیب عمل، مردم به دو گروه منشعب شوند؛ مؤمنین، که انذار سبب هدایت ایشان شده (الانعام، ۵۱؛ یس، ۱۱؛ النازعات، ۴۵؛ الاعراف، ۱۸۸) و به پاداش می‌رسند و غیرمؤمنان که با ایشان اتمام حجت شده است (الاعراف، ۷۰؛ القمر، ۱۶ و ۲۱ و ۳۰ و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]

۳۶ و ۳۷ و ۳۹؛ نوح، ۱؛ الاحقاف، ۲۱؛ یس، ۶؛ مریم، ۳۹؛ غافر، ۱۸؛ الکهف، ۵۶؛ الاحقاف، ۳؛ ص، ۴؛ ق، ۲) و تنبیه می‌شوند؛ پس انذار مرحله قبل از بشارت است و جنبه عمومی داشته و تمامی مردم را دربرمی‌گیرد؛ «**أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا**؛ (یونس، ۲) که مردم را بترسان و مؤمنان را بشارت ده» همانگونه که در آیه بیان شده است انذار برای ناس و بشارت جهت مؤمنین است؛ در واقع در اینجا کارکرد دوگانه انذار در هدایتگری و اتمام حجت بر منکران نمایان می‌شود[1] که البته این ویژگی همه‌اش از « **فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا**» (الشمس، ۸) نشأت می‌گیرد؛ چراکه انسان در انتخاب هر دو بعد فجور و تقوا اختیار دارد.

شواهد قرآنی دال بر این است که انذار، عمومیتی دارد که در تبشیر نیست؛ چون انذار شامل مومنان و کفار می‌شود (طباطبایی، ۱۰/ ۸) و ممکن است در بعضی موارد سازنده نباشد و کفار معاند به سبب سرپیچی و طیغان، بدان هدایت نیابند و دچار عذاب‌های سخت الهی شوند؛ به عبارتی انذار دو جایگاه می‌تواند داشته باشد؛ یکی سطح عمومی است که در برخورد اولیه با بشر است و دیگری پس از اعراض جهت اتمام حجت بیان می‌شود.[2]

نتایج مقاله

با توجه به معنای لغوی و خصوصیاتی که از این لغت در کاربرد قرآنی آن حاصل شده است می‌توان با تعریفی جامع از انذار آن را اینگونه تعریف کرد: «انذار؛ کلامی خبری ـ در مقابل انشاء و تأکید بر احتمال صدق و کذب ـ روشن و واضح که مسبوق به آگاهی، یا منجر به آگاهی مضاعف شده و متعلق آن امری هشداردهنده است که از طرف انذاردهنده از روی دلسوزی و محبت با تکیه بر عقلانیت، لحاظ کردن وسعت زمان و در نظر گرفتن اختیار مخاطب بیان شده تا انگیزه لازم برای تحذیر و تحریم از عمل یا تحریک و ترغیب عمل جهت رسیدن به یکی از دو هدف اتمام حجت و هدایت به وجود آید».

۱- بشارت خاص مومنین است برای اینکه انذار عام است باری مومنین و غیر ایشان و بشارت به نعم اخروی است که جز برای مؤمنین نیست و به تحقیق انذار اختصاص به کفار دارد و انذار مؤمنین جز از جهت غفلت و کفر خفی نیست.(بیان السعادة فی مقامات العبادة، ۲/ ۲۹۱)

۲- «**فَإِنْ أَعْرَضُوا: عن الإيمان بعد هذا البيان فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صاعِقَةً فحذّرهم أن يصيبهم عذاب شديد الوقع**»؛ پس اگر بعد از خوانده شدن به ایمان اعراض کردند پس بگو می ترسانم شما را از صاعقه؛ یعنی برحذر می‌دارم شما را از اینکه عذاب شدیدی به شما خواهد رسید.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]

(نمایه)

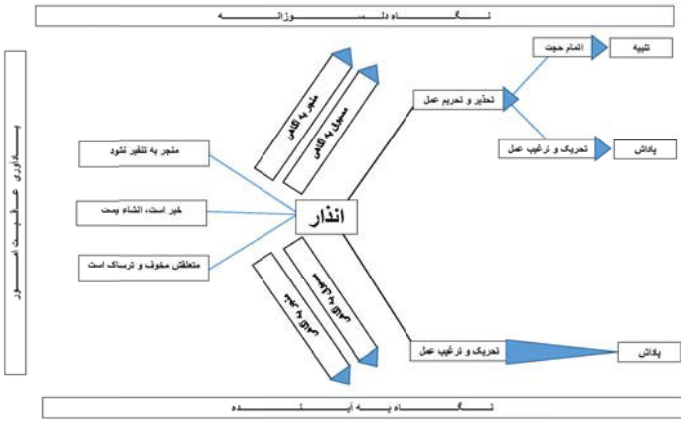

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]

کتابشناسی

۱- قرآن کریم

۲- ابن جماعة، محمد بن ابراهیم، تذکرةالسامع و المتکلم فی آداب العالم و المتعلم؛ (مندرج در آداب المتعلمین و رسائل الاخری، احمد بن عبدالغفور عطار)؛ بیروت، ۱۳۸۶ش / ۱۹۶۷م.

۳- ابن مسکویه، احمد، تهذیب الاخلاق؛ تحقیق زریق قسطنطین؛ بیروت؛ الجامعة الامریکیة، ۱۹۶۶م.

۴- ابن منظور، لسان‌العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.

۵- ابوبکر، محمد بن الحسین بن عبدالله الاجریف، اخلاق العلماء؛ القاهره؛ مکتبةالقافة الدینیة، ۱۹۹۶م.

۶- اعرافی، علیرضا، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی(۲) اهداف تربیت از دیدگاه اسلام؛ ج۲، تهران؛ سمت، ۱۳۸۷ش.

۷- ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقی ـ دینی در قرآن مجید، ترجمه بدره‌ای فریدون؛ تهران، فرزان روز، ۱۳۹۴ش.

۸- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۸ش.

۹- همو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج۱؛ تهران؛ مدرسه، ۱۳۹۴ش.

۱۰- همو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی،ج۲؛ تهران؛ مدرسه، ۱۳۹۴ش.

۱۱- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة موسسة البعثة قم؛ تهران؛ بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

۱۲- بهشتی، احمد، تبشیر و انذار؛ پیوند؛ شماره ۴۰، ۱۳۶۱ش.

۱۳- بهشتی، محمد، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن؛ تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ش.

۱۴- پرچم، اعظم، تبیین جایگاه وعد و وعید بـه عنـوان یکـی از راهکارهـای تربیتـی و اخلاقـی در قرآنـی؛ پژوهش‌هـای اخلاقـی؛ شـماره ۴، ۱۳۹۰ش.

۱۵- حسینی، شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری؛ تهران؛ میقات، ۱۳۶۳ش.

۱۶- الخطیب البغدادی، احمد بن علی، الفقیه و المتفقه، تحقیق الانصاری، اسماعیل؛ ریاض؛ مطابع الفصیم، ۱۳۸۹ش.

۱۷- خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن؛ بی‌جا، بی‌تا

۱۸- دل‌افکار، علیرضا و همکاران، مؤلفه‌های کاربردشناختی انذار در داستان حضرت شعیب علیه‌السـلام؛ پژوهشـنامه تفسـیر و زبـان قـرآن؛ شماره اول، ۱۳۹۳ش.

۱۹- دیناروند، حسین، مکاتب فلسفی و نظریه‌های تعلیم و تربیت؛ تهران؛ دانش پرور، ۱۳۹۲ش.

۲۰- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج۶، بیروت؛ دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

۲۱- زاهدی، مرتضی، نظریه تربیتی اسلام؛ تهران، صابره، ۱۳۸۵ش.

۲۲- سید رضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، مصحح فیض‌الاسلام، اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.

۲۳- شاتو، ژان، مربیان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ش.

۲۴- شاملی، عباسعلی، جایگاه و نقش انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران «نگرش قرآنـی»؛ ترجمـه روحـانی، محمـد؛ فصـلنامه معرفـت، شماره ۳۳، ۱۳۸۹ش.

۲۵- شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ش.

۲۶- همو، تعلیم و تربیت اسلامی؛ تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.

۲۷- شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ش.

۲۸- همو، مبانی واصول آموزش و پرورش، ۱۳۶۸ش.

۲۹- شیواپور، حامد، بررسی تفسیری گستره جغرافیایی ارسال رسل در آیات انذار، پژوهشنامه ثقلین، دوره ۱، شماره ۱، ۱۳۹۳ش.

۳۰- صادق‌زاده، علیرضا، رویکردی تربیتی به ایات انذار و تبشیر، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسـلامی، سـال ۲۰، شـماره ۱۴، ۱۳۹۱ش.

۳۱- طباطبایی،محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]

۳۲- همو، المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۳۳- طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین؛ تهران؛ مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۳۴- الطوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، اختیار معرفةالرجال؛ تحقیق اسید مهدی الرجائی؛ قم؛ موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاءالتراث، ۱۴۰۴ق.
۳۵- فلاح، محمدجواد، الگوی اخلاقی قرآن در برخورد با انحراف‌های اخلاقی (با تأکید بر دوره جوانی)؛ پژوهش‌نامه معارف قرآنی؛ شماره ۲۷، ۱۳۹۵
۳۶- فیومی احمد بن محمد، مصباح المنیر، بی‌جا، بی‌تا
۳۷- القابسی، محمدعلی بن محمد، الرسالةالمفصلة لاحوال المتعلمین و احکام المعلمین و المتعلمین؛ (در التربیة فی الاسلام، احمد فؤاد الاهوانی)؛ القاهرة؛ دارالمعارف، ۱۹۸۳م.
۳۸- قلی‌پور، جواد، بررسی نقش ترس در پیدایش دین (باتکیه بر قرآن)؛ معرفت کلامی؛ شماره ۱۸، ۱۳۹۶ش.
۳۹- عبدالصاحب المظفر، الاخلاق فی حدیث واحد؛ النجف الاشرف؛ مطبعةالنعمان، ۱۹۶۹م.
۴۰- کاردان، علیمحمد، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی(۱) فلسفه تعلیم و تربیت؛ ج۱، تهران؛ سمت، ۱۳۹۳ش.
۴۱- کیلانی، ماجد عرسان، سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی، ترجمه، رفیعی، بهروز؛ قم؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶ش.
۴۲- گنابادی سلطان محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادة؛ بیروت؛ مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۴۳- محصص، مرضیه، انذار در سوره یس، بینات،شماره ۷۷ - ۷۸، ۱۳۹۲ش.
۴۴- مشایخی، شهاب الدین، اصول تربیت از دیدگاه اسلام؛ مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۳۲، ۱۳۸۸ش.
۴۵- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ تهران، ۱۳۶۸ش.
۴۶- المظفر، عبدالصاحب، الاخلاق فی حدیث واحد؛ النجف الاشرف؛ مطبعة النعمان، ۱۹۶۹م.
۴۷- مغنیه محمد جواد، تفسیر الکاشف؛ تهران؛ دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۴۸- همامی، عباس، بررسی تطبیقی اصول و روش‌های تبلیغی در قرآن کریم و عهد جدید؛ پژوهش دینی؛ شماره ۱۵، ۱۳۸۶ش.
۴۹- هوشیار، محمدباقر، اصول آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۷ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1396.11.21.6.3]